

حمایت از مال عمومی در فقه اسلامی

نوشته ی:

دکتر نظیر بن محمد الطیب اوهاب

پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه علوم امنیتی نایف

مترجم:

مرتضی قاسم آبادی

دانش آموخته دوره کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تبریز



مجمع علمی و فرهنگی مجد

سرشناسه : قاسم آبادی، مرتضی
عنوان و نام پدیدآور : حمایت از مال عمومی در فقه اسلامی
مشخصات نشر : تهران: مجد، ۱۳۹۴.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۹۱-۲
وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر
یادداشت : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی:
<http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۴۹۳۳۹

مرگزنه تکثیر کامل یا قسمتی از کتاب بدون اجازه پدیدآورنده، یا ناشر خلاف قانون، شرع و اخلاق است.
موارد تخلف را به دفتر مرکزی «مجد» گزارش فرمایید.

حمایت از مال عمومی در فقه اسلامی

نوشته‌ی: دکتر نظیر بن محمد الطیب اوهاب

مترجم: مرتضی قاسم آبادی

انتشارات مجد

چاپ اول: ۱۳۹۴ تعداد: ۵۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، خیابان ۱۲ فروردین، تقاطع خیابان وحید نظری، پلاک ۱۰۸

تلفن و دورنگار: ۶۶۴۹۵۰۳۴ - ۶۶۴۰۹۴۲۲ - ۶۶۹۶۳۳۸۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۹۳-۳۹۱-۲

ISBN: 978-600-193-391-2

شعبه فروردین: خیابان ۱۲ فروردین، مقابل تعزیرات، پلاک ۲۸۳، طبقه دوم تلفن: ۶۶۴۹۰۹۹۸

شعبه اردیبهشت: خیابان اردیبهشت (منیری جاوید)، تقاطع شهدای زاندارمری، پلاک ۵۷ تلفن: ۶۶۴۸۶۸۷۴

www.majdlaw.ir

E-mail: majdlaw92@gmail.com

سیستم اشتراک پذیری «مجد»:

ارسال پیامک حاوی نام و نام خانوادگی و شغل (در صورت تمایل) به شماره ۰۲۱۶۶۴۹۰۹۹۸
فصلنامه حقوقی مجد با ارائه مقالات اساتید مبرز حقوق کشور بطور منظم منتشر می‌شود.

فهرست مطالب

دیباجه مترجم.....	۷
مقدمه نویسنده.....	۱۳
فصل اول: مفهوم مال عمومی و معیار تفکیک آن از مال خصوصی.....	
۱. مفهوم مال عمومی و خصوصی و تفاوت این دو.....	۱۹
۲. معیارهای تفکیک میان مال عمومی و خصوصی در فقه اسلامی و حقوق.....	۳۷
۳. مفهوم مالکیت دولت.....	۵۴
فصل دوم: حمایت مدنی از مال عمومی.....	
۱. مجاز نبودن تصرف در اموال عمومی.....	۶۷
۲. عدم جواز تحصیل اموال عمومی به وسیله مرور زمان.....	۹۴
۳. عدم جواز مصادره اموال عمومی.....	۱۲۵
فصل سوم: حمایت کیفری از مال عمومی.....	
۱. جرائم تجاوز به مال عمومی از جانب مستخدم عمومی (کارمند دولتی) و مجازات آن.....	۱۴۷
۲. جرائم تجاوز به مال عمومی از جانب اشخاص عادی و مجازات مقرر شده برای آن.....	۲۰۳
منابع.....	۲۴۹

دیباجه مترجم^۱

اموال جمع مال است. اموال در لغت به معنی مال‌ها، املاک، اسباب، کالا، ثروت بوده و به هر چیزی که در تملک کسی یا در تصرف و ید کسی باشد، گفته می‌شود. مال مشترک در اصطلاحات حقوق مدنی ایران و فقه به معنی مال مشاع است و همان‌طور که از نام آن معلوم می‌شود اموالی است که متعلق به عموم باشد. اجتماع حقوقی چند نفر بر مال معین، خواه مال موجود در خارج باشد، خواه در ذمه باشد. خواه به طور ارادی باشد، مانند شرکت‌های اختیاری و یا قهری، مانند اجتماع حقوقی چند وارث بر ترکه را اشاعه می‌گویند. مال مورد اشاعه را مال مشاع می‌گویند. اشاعه در مقابل افزای به کار می‌رود و مشاع در مقابل مفروز. مال مشاع و یا ملک مشاع هم مالی را گویند که دو یا چند نفر مالک داشته و سهم هر یک مشخص و ممتاز نباشد.

اموال عمومی و اموال دولتی: به موجب ماده ۲۳ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران، استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد، مطابق قوانین مربوطه به آن‌ها می‌باشد. در حقیقت در مقابل اموالی که ملک افراد است، اموالی نیز وجود دارد که ملک افراد نیستند. این اموال در حقیقت از جمله مشترکات بوده و تعلق به عموم دارند مانند اموالی که دولت یا تشکیلات و موسسات عمومی دیگر متصرف آن شناخته می‌شوند. حق مالکیت افراد نسبت به اموال خود حق مطلق بوده و تقریباً نامحدود است، زیرا هر مالکی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد و برعکس حق جامعه نسبت به مشترکات، حق محدود است، به همین دلیل گفته می‌شود که مشترکات مال همه است، ولی مال هیچ کس نیست. بنابراین افراد جامعه نمی‌توانند در اموالی که داخل در مشترکات و اموال عمومی است، همان تصرفی را

۱- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش، چاپ نوزدهم، سال ۱۳۸۷، ص ۴۵- عدل، مصطفی؛ حقوق مدنی، قزوین، انتشارات طه، چاپ دوم سال ۱۳۸۵، صص ۴۱ و ۴۲- کاتوزیان، ناصر؛ اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ بیست و ششم، پاییز ۱۳۸۸، صص ۶۸-۷۱- کاتوزیان، ناصر؛ قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، نشر دادگستر، چاپ دوم، پاییز ۱۳۷۷، ص ۴۳- طباطبایی موتنی، منوچهر؛ حقوق اداری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوازدهم، پاییز ۱۳۸۵، صص ۲۷۰-۲۷۵.

نمایند که در اموال خصوصی خود می‌کنند. در این رابطه، حتی حق دولت یا تشکیلات عمومی دیگر هم که به نام جامعه مالک مشترکات شناخته می‌شوند، محدود می‌باشد. دولت برای انجام خدمات عمومی و اجرای وظایف خود، اموال گوناگونی در اختیار دارد و به تناسب موارد از هر یک استفاده خاصی می‌کند. اموال دولتی به معنی عام را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد؛

۱- اموالی که ملک دولت است: موسسات عمومی حق مالکیتی مانند سایر اشخاص بر این اموال دارند. با این که قوانین، تصرفات دولت در این اشیاء را نیز تا اندازه‌ای محدود کرده اند، ولی حق دولت بر اموال دولتی به معنی خاص، شبیه حق مالکیت افراد بر سایر اموال است.

۲- اموال و مشترکات عمومی: که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده یا به حفظ مصالح عمومی اختصاص داده شده اند و دولت، تنها از جهت ولایتی که بر عموم دارد، می‌تواند آن‌ها را اداره کند: مانند پل‌ها، موزه‌ها و معابر عمومی. در واقع تنها این دسته از اشیاء دارای مالک خاص نیستند و سایر اموال دولتی مالک معین دارند. برای مثال، کشتی‌های تجاری، اموالی که دولت‌ها به تشکیل بانک‌ها و شرکت‌های خصوصی اختصاص داده‌اند، ترکه بدون وارث، جنگل‌ها و زمین‌های موات اطراف شهر، مال دولت محسوب می‌شوند.

ضابطه تشخیص اموال و مشترکات عمومی: ملاک تشخیص اموال و مشترکات عمومی در این است که طبیعت اموال عمومی با به ملکیت خصوصی درآمدن این اموال، منافات دارد، در واقع اموالی هستند که مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرند و به همه مردم اختصاص دارند، مانند ساحل دریا و رودخانه‌های قابل کشتیرانی. معیار دیگر، مصرفی است که دولت برای این گونه اموال معین کرده است. باید دید اموال دولتی به چه منظور مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و به تناسب این منظور نوع مال را تشخیص داد. اموال عمومی به دو صورت مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد:

۱- بعضی از آن‌ها به طور مستقیم و بی واسطه در دسترس عموم قرار گرفته است و هر کس با رعایت نظامات مخصوص، می‌تواند استفاده مطلوب نماید. مثل پل‌ها، باغ‌ها، کاروان سراها و راه‌های عمومی. اما دولت از نظر اختیاری که در اداره مشترکات دارد، می‌تواند امتیاز بهره‌برداری از این اموال را برای مدت محدودی به شخص معینی واگذار کند.

۲- دسته دیگر به یکی از خدمات عمومی اختصاص یافته است و تنها بنگاه خاصی حق دارد از آن بهره‌برداری کند، مانند راه آهن، سیم‌های تلفن و تلگراف، که از مشترکات عمومی هستند و به سود عموم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

پس تمام اموالی که به طور مستقیم یا با واسطه از طرف دولت برای رفع نیازمندی‌های عمومی اختصاص داده شده، جزء اموال عمومی است و سایر اموال دولتی ملک دولت محسوب می‌شود. از مفاد مواد ۲۴ تا ۲۷ قانون مدنی نیز چنین برمی‌آید که از همین قاعده پیروی شده است.

ویژگی‌های اموال و مشترکات عمومی: قانون مدنی به تفصیل احکام مربوط به اموال عمومی و دولتی را بیان نکرده و فقط دسته نخست را قابل تملک خصوصی ندانسته است. البته از قابل تملک نبودن اموال عمومی، ممکن است بتوان نتایج زیر را استنباط کرد:

۱- تملک به وسیله افراد صراحتاً در مواد ۲۴ و ۲۵ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران منع شده است.

۲- استفاده انحصاری از مشترکات عمومی بدون این که تملک شود، ممنوع است.

۳- دولت نمی‌تواند اموال و مشترکات عمومی را انتقال دهد، مگر این که قانون خاصی آن را اجازه دهد، زیرا امکان انتقال به اشخاص با قابل تملک نبودن آن‌ها منافات دارد.

۴- اموال عمومی به سود طلبکاران دولت قابل توقیف نیست، زیرا بازداشت مالی که قابل تملک خصوصی نیست، کاری بیهوده و مقدمه‌ای بی‌نتیجه و بی‌هدف است. دولت‌ها با وضع قوانین می‌کوشند تا از بازداشت سایر اموال دولتی جلوگیری کنند. رویه قضایی نیز برای حفظ نظم مالی دولت، به این نتیجه تمایل دارد، ولی عدم امکان بازداشت اموال عمومی به هدف انتفاع و وصف انتقال ناپذیری آن‌ها باز می‌گردد.

۵- در مشترکات عمومی مرور زمان جاری نیست و اشخاص نمی‌توانند به بهانه تصرف مستمر خود، آن‌ها را به طور غیر مستقیم تملک کنند. ولی در سایر اموال دولت مرور زمان جاری می‌شود.

قانون مدنی در مواد ۲۳ تا ۲۶ بعضی از اموال عمومی را که دارای اهمیت خاص، بوده برشمرده است. این اموال عبارتند از:

راه‌های عمومی: در قانون مدنی یکی از مشترکات عمومی؛ طرق، خیابان‌های عمومی و کوچه‌هایی است که آخر آن‌ها مسدود نیست. این گونه راه‌ها حتی اگر در زمین‌های مالکان مجاور احداث شود، در حقیقت به عموم واگذار شده و صاحبان آن املاک حق ندارند به این استناد که زمین کوچه در اصل به ایشان تعلق داشته است، با

توافق یکدیگر آن را از بین ببرند. پس اگر قطعه زمین بزرگی به چند قطعه کوچک‌تر تقسیم و فروخته شود و مالک ناچار شود که برای دستیابی به معبر عمومی چند کوچه فرعی به راهروی عمومی بدهد، با احداث کوچه‌های محل رهگذر عمومی، زمین آن به عموم واگذار شده و مالک اصلی یا مالکان قطعه‌های فرعی هیچ حق اختصاصی در آن‌ها ندارند و نیز نمی‌توانند کوچه‌ها را مسدود سازند یا به ملک خود ملحق سازند. البته در مورد کوچه‌هایی که آخر آن‌ها مسدود است، صاحبان خانه‌های واقع در آن جا، یک نوع حق مالکیت خصوصی دارند و چون استفاده از راه عبور مخصوص خانه‌های مجاور است، صاحبان این املاک می‌توانند با موافقت هم، کوچه را به هر صورت که بخواهند در آورند، یا آن را به طور کلی جزء املاک خود کنند. به طریق اولی اگر کوچه بن بست در ملک یک نفر احداث شده باشد، او حق دارد هرگاه وجود کوچه را ضروری نداند، آن را از نو تصرف کند.

اموال مورد استفاده عموم: اموالی که مورد استفاده عموم است و استفاده خاص ندارد؛ مانند پل‌ها، کاروانسراها، آب انبارهای عمومی، مدارس قدیمی، مساجد و میدان گاه‌های عمومی، قنوات و چاه‌هایی هستند که به وسیله عموم مردم مورد استفاده قرار می‌گیرد. از این اموال نیز نباید به صورت انحصاری استفاده کرد و بهره‌برداری عموم‌ظهور در مالکیت عمومی دارد. البته انتفاع از این اموال برای کسانی که زودتر شروع به بهره‌برداری کرده‌اند، حق تقدیمی ایجاد می‌کند که سایرین را از مداخله و ایجاد مزاحمت برای آنان ممنوع می‌کند.

اموال اختصاص یافته به خدمات عمومی: ماده ۲۶ قانون مدنی مقرر داشته این گونه اموال، اموال دولتی هستند که برای مصالح یا انتفاعات عمومی آماده شده‌اند، مثل استحکامات و قلاع، خندق‌ها، خاکریزهای نظامی، قورخانه، اسلحه، ذخیره، سفاین جنگی و همچنین اثاثیه، ابنیه، عمارات دولتی، سیم‌های تلگرافی دولتی، موزه‌ها، کتابخانه‌های عمومی، آثار تاریخی و امثال آن‌ها. در کل اموال منقوله و غیر منقوله‌ای که دولت به عنوان مصالح عمومی و منافع ملی، در تصرف خود دارد، قابل تملک خصوصی نیست. افزون بر آن، اموالی که بر طبق مصالح عمومی، به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد، نیز قابل تملک خصوصی نمی‌باشد. بخش اخیر این ماده معیار تمییز اموال عمومی را از سایر اموال دولتی به دست می‌دهد. اموالی که موافق مصالح عمومی به ایالت یا ولایت یا ناحیه یا شهری اختصاص یافته باشد، مانند: گورستان و چراگاه‌های عمومی، منطقه خاص می‌باشد.

بستر رودخانه‌ها و جنگل‌ها: بستر آب‌های طبیعی و رودخانه‌ها اعم از این که آب دائم یا فصلی داشته باشند، ساحل دریاها، دریاچه‌ها، همچنین جنگل‌های طبیعی و آب‌های کشور از این دسته‌اند. علاوه بر این اموال، اموال مشترک دیگری نیز وجود دارد که تحت نظارت و تصرف دولت بوده، ولی ممکن است قوانین و نظامات به مردم اجازه دهند که به طور خصوصی آنها را تملک و یا از آن‌ها استفاده کنند. مثل اراضی که بدون آبادی و کشت و زرع بوده و معطل افتاده و مالک معین نداشته باشد، این اموال را مباحات می‌نامند. به این معنی که تصرفات افراد در آن‌ها و حق تملک خصوصی آنان با رعایت نظامات مربوطه، برای همه مردم مباح می‌باشد.

پس از مقدمه فوق باید خاطر نشان ساخت که اثر حاضر ترجمه ای است از کتاب «حمایه المال العام فی الفقه الاسلامی» نوشته دکتر نظیر بن محمد، پژوهشگر مرکز مطالعات و تحقیقات دانشگاه علوم امنیتی نایف در عربستان سعودی. همان‌طور که از نام کتاب برمی‌آید؛ مسائلی را پیرامون اموال و مشترکات عمومی مطرح می‌سازد و به اعلام نظر فقها و پیشوایان مسلمان به ویژه فقه‌های اهل سنت در خصوص آن می‌پردازد و حمایت‌هایی که فقه اسلامی و قوانین موضوعه از این اموال نموده‌اند را به منصفه ظهور می‌رساند. کتاب حاضر در سه فصل به بررسی این موضوع پرداخته که در فصل نخست به تعاریف گوناگون مال عمومی و معیار تفکیک آن از مال خصوصی پرداخته و در فصل دوم به حمایت‌های مقرر شده برای این نوع اموال در قالب قوانین مدنی و در نهایت در فصل سوم به حمایت‌هایی که از نظر کیفری برای این اموال در نظر گرفته شده و مسائلی از قبیل تجاوز به اموال عمومی، اختلاس این اموال، مصادره، تخریب اموال عمومی، ایجاد سرقت این اموال، نقض عمدی قراردادهای اداری، حریق عمدی در این اموال و... از دیدگاه فقه اسلامی و قوانین موضوعه همانند قانون مجازات اسلامی مصر و عربستان سعودی می‌پردازد. کتاب حاضر با توجه به ویژگی خاص آن، آیات استنادی قرآن کریم، احادیث پیامبر و پیشوایان و نظرات گوناگون فقها به ویژه فقه‌های اهل سنت در این خصوص حائز اهمیت می‌باشد از این رو مطالعه آن برای کلیه اساتید و دانشجویان علاقه‌مند، به ویژه اساتید و دانشجویان رشته حقوق، الهیات و فقه و مبانی حقوق اسلامی، به منظور آگاهی از این نظرات و آشنایی با این اموال و حمایت‌های مقرر شده برای آن، نزد فقها و قوانین برخی کشورها مانند فرانسه، مصر و عربستان سعودی و نیز به عنوان یک مطالعه تطبیقی میان حمایت‌هایی که از این اموال در فقه شیعه و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران شده است، می‌تواند مفید باشد. این کتاب به یکی از ابزارهای اجرایی امور اداری و سازمان‌های اداری یعنی اموال عمومی، می‌پردازد از این رو،

مستخدمین اداری در تعامل با این اموال ممکن است جرائمی از قبیل، اختلاس، سرقت، ایجاد حریق عمدی، تسهیل تصرف دیگران بر این اموال... مرتکب شوند به همین خاطر به مبحث مجازاتهای تعیین شده برای این مستخدمین در حقوق اداری پرداخته شده است از این رو، می‌تواند رهیافتی را در قالب حقوق اداری و عرصه جرائم و تخلفات مستخدمین عمومی، بازگشاید. در ترجمه حاضر سعی شده است از واژگان مانوس، بی تکلف، ساده و به روز در ادبیات و فرهنگ حقوقی فارسی استفاده گردد و تا حد بسیار زیادی از ترجمه تحت اللفظی برای درک بهتر متن کتاب و آشنایی با اصطلاحات عربی، پرهیز شده، به همین خاطر در ترجمه این کتاب از فرهنگهای بسیار پربار و به روزی مانند فرهنگ عربی- فارسی استاد آذرتاش آذرنوش و منجد الطلاب ترجمه ی آقای محمد بندرریگی و فرهنگ لغات و اصطلاحات فارسی به عربی دکتر یحیی معروف استفاده شده است. هیچ اثری هر چند کامل خالی از اشتباه نیست، امید است علاقه مندان و اساتید محترم با مطالعه این اثر و تذکر نکاتی در رابطه با متن و ترجمه، این اثر را غنا بخشیده و در جهت اصلاح بهتر آن و فراهم آوردن اثری بی نقص، حقیر را یاری بفرمایند. در پایان از استاد گرانقدر دکتر سیدحسین ملکوتی از اعضای محترم هیات علمی گروه حقوق دانشگاه تبریز، که با حمایتها و تشویق های مکرر در راه ترجمه این اثر و قبول زحمت ویرایش علمی این اثر، کمک شایانی را در غنای علمی این اثر به بنده مبذول داشتند؛ همچنین زحمات بی دریغ کلیه دست اندرکاران محترم انتشارات مجد به ویژه مدیریت محترم جناب آقای حسینی نیک در فراهم آوردن زمینه چاپ این اثر، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

مرتضی قاسم آبادی ۱۳۹۲

مقدمه نویسنده

حمد و سپاس مخصوص پروردگاری است که او را می‌پرستیم و تنها از او یاری می‌جوییم و از او طلب آمرزش می‌کنیم و تنها از او می‌خواهیم تا هدایت‌مان کند. از شر بدی‌ها و پلیدی اعمالمان به خدا پناه می‌بریم. کسی که خدا او را هدایت کند، گمراه کننده ای برای او نیست و کسی که خداوند او را به حال خود واگذارد، هدایتگری برایش وجود ندارد. شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست، شریکی ندارد و گواهی می‌دهم که محمد بنده و فرستاده خداوند است.

اما بعد:

در کنار ارکان ضروری حیات بشری یعنی؛ دین، نفس، عقل و نسل، مال نیز رکن پنجم و از جمله ارکان اصلی به شمار می‌رود. مسئله مال در تمام کشورها و جوامع بشری، از اهم مسائل رعایت شده است، بدین خاطر ادیان و شرایع گوناگون متعهد به حفظ، پاسداری و پشتیبانی از اهداف آن شده‌اند. این اهداف به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱- ضروریات (الضروریه) ۲- حاجیات (الحاجیه) ۳- کمالیات (التحسینیه).

اما ضروریات^۱ عبارتست از: هر عمل و تصرفی که صیانت از دین، جان، عقل، نسل و مال متوقف بر آن می‌باشد، تا جائیکه اگر این امور موجود نباشند نه تنها مصالح بشری پابرجا باقی نمی‌ماند، بلکه به فساد و تباهی کشیده می‌شوند و موجب بی‌نظمی و از دست دادن زندگی دنیوی شده و در آخرت نیز موجب نابودی نجات اخروی می‌گردد.

حمایت از مال به دو روش امکان‌پذیر است:

- ۱- اول اینکه؛ اصول آن را برپا داشته و قواعد و مقررات آن را با توجه به آن اصول، با یک رویکرد سلبی و ایجابی استوار کنند.
- ۲- اینکه اختلالات احتمالی در این اموال را با توجه به رویکرد سلبی و ایجابی مطرح شده، از آن دفع کنند.

۱- نگارنده معتقد است؛ حمایت از مال عمومی در مرتبه ضروریات قرار دارد و این مورد بالاترین اهداف قانونگذاری به لحاظ ارزش، اعتبار و اهمیت را تحت پوشش قرار می‌دهد، بنابراین محقق تنها به ذکر آن بسنده نموده است.

اصول حمایت از این اموال با در نظر گرفتن ماهیتی که موجب کسب سود و منفعت انسان در ارتباط با دیگران می‌گردد، از زمره عباداتی است که به حفظ و حمایت از آنها باز می‌گردد؛ مانند انتقال اموال به عقود در ذمه یا منافع و یا دیگر موارد.

اما حمایت از مال با توجه به رویکرد سلبی و بازدارنده بدین صورت جلوه می‌نماید؛ یعنی آن اموری را که موجب اتلاف اموال عمومی می‌شود، از آن دفع می‌کنند. بنابراین می‌توان اموری مانند قصاص (به عنوان مجازات اتلاف اموال عمومی) و سپردن تضمین از ناحیه ولی یا سرپرست اشخاص و انواع تعزیرات^۱ و... را مقرر نمود.

حمایت و پاسداری در اموال خصوصی نیز، ضروری است چرا که موجب گسترش آن می‌گردد. همچنین استمرار این حمایت نقشی ضروری در امور اقتصادی و اجتماعی در ارتباط با اموال عمومی، ایفا می‌نماید.

به منظور توسعه هر چه بیشتر این مورد اخیر و اختصاص یافتن آن به منافع عمومی و نیز اهداف و سیاست دولت‌ها در تغییر آن به واقعیت، ترسیم طرح و نقشه آن بسیار حساس و انفعالی است، به همین سبب بود که یکی از مهم‌ترین ارکان برای سیستم اقتصادی دولت‌ها ایجاد شد. از آن پس، حدودی برای حمایت سخت گیرانه از این اموال ایجاد گردید که نوع، شیوه و کیفیت حمایت‌های مقرر شده، بازگو کننده سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها در گذر اعصار است. با پیشرفت کشورها در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، عمرانی و آبادانی، اهمیت این نوع اموال فزونی یافت و به موازات آن اهمیت پاسداری و حمایت از آنها نیز بیشتر شد.

و از همان زمان که قانون‌گذاران به قواعد منظمی برای تعامل در چارچوب اموال عمومی و حمایت از آن‌ها دست یافتند، گام بلندی در تحقق اهداف اختصاص یافته به این اموال برداشته شد. پس باید گفت که فقه اسلامی با اصول و قواعد خود و اجتهاد علمای بزرگ در این خصوص، از نظر زمانی بر حقوق سبقت گرفته است. افزون بر آن، به لحاظ عدالت در تحقق مساوات، میان منافع عمومی و خصوصی، بر حقوق موضوعه برتری یافته، زیرا بهره‌برداری و توسعه اموال، با حمایت از آن بیگانه نیست. شارع مقدس در اسلام زمینه‌ای را سازمان داده که قابل توجه است و از زمره این موارد، احکام و آدابی هستند که به خاطر یک ضرورت شرعی و مصلحت اجتماعی مورد توجه بسیاری قرار گرفته‌اند. بنابراین از زمان برپایی نخستین دولت اسلامی انواع عقود و معاهدات مقرر شده است و قواعد منظمی را برای پیشرفت اموال عمومی وضع نموده‌اند، همچنین به لحاظ شرعی

۱- بنگرید به: الشاطبی، الموافقات، ۲/ ۴۵، مطبعة دار الکتب العلمیة، بیروت، ط (۱)، سنة ۱۴۱۱هـ.

کیفرهای بازدارنده جسمی و ضمانت اجرای مالی، جهت حمایت از این اموال، همواره برای استمرار این حمایت تشریع شده اند. تعهد به این امور محقق، اموری غیرقابل اجتناب است که مخالفت با آنها جایز نیست، علاوه بر آن، احکام اجتهادی نیز حوزه وسیعی را برای این نوع اموال به صورت تحقیقی بنا به مصلحت عموم مردم، آزاد گذاشته است چرا که در پناه اهداف شریعت و قواعد کلی آن، ملزم به رعایت حدود مسدود کننده و نیز قواعد خشک و اسلوب‌های عقیم آن نیست، بلکه تمام این مسائل همواره به منظور تفکیک اموال عمومی از اموال خصوصی بوده به علاوه، تأثیر عظیمی که تنوع قواعد و مقررات، این دو نوع مال را در یک مسیر به یکدیگر پیوند داده را مطمئن نظر قرار داده است.

این بحث به جهت شفاف سازی مسئله اموال و مشترکات عمومی مطرح شده است، پیش از این نیز، اشخاص دیگری اهمیت این مسئله را در بنای احکام به جهت حمایت از این اموال درک کرده بودند، برخی دیگر از علما هم در این راه اهتمام نموده اند؛ همان کسانی که خداوند بر وسعت علمشان افزوده و توانایی بحث و استدلال را در وجود آنها به ودیعت نهاده است، افزون بر آن مباحثی نیز هستند که این کتاب از طرح آن عاجز است.

از یک دیدگاه، نظریه حمایت از اموال عمومی در شاکله میراث اسلامی، بر اهمیت موضوع افزوده است و شرط لازم این مسئله آن است که پیوند استوار آن را با نظریه منافع عمومی (منفعت عمومی) در حقوق اداری درک نمائیم، اما با این وجود، هر آن نمی‌توان حکمی را که مختص این اموال باشد یافت مگر اینکه منافع عمومی مذکور با آن همراه باشد آن هم به ندرت. مفسرین حقوقی این چنین تصریح نموده اند که: «نظریه اموال عمومی به نظریات برجسته حقوق اداری (مانند منفعت عمومی) پیوند خورده است»^۱. موضوعی که پیش روی ماست به بررسی مفهوم مال عمومی و معیاری که آن را از مال خصوصی تفکیک می‌کند و نیز حمایت‌های مقرر برای مال عمومی از نظر شرعی و از خلال مقایسه با مقررات حقوقی و کیفری بر مهم‌ترین جرائم واقع در این نوع اموال می‌پردازد.

این کتاب یک فصل مقدماتی دارد که در آن به مفهوم مال عمومی و خصوصی پرداخته شده است و نیز در مبحث اول به تفاوت میان این دو و معیارهای تفکیک بین

مال عمومی و خصوصی سپس در مبحث دوم مفهوم مالکیت دولت و در مبحث سوم تفاوت میان آن با مالکیت عمومی پرداخته شده است.

در دو فصل آخر، مبحث اول به حمایت مدنی از مال عمومی و قواعد مقرر برای این نوع حمایت اختصاص یافته است و مبحث دوم به حمایت کیفری از مال عمومی اختصاص یافته که در آن به مهم‌ترین جرائم واقع در مال عمومی و نیز کیفرهای مقرر شده بر آن می‌پردازد. در پایان به ذکر مهم‌ترین نتایجی که به موضوعات مطرح شده مرتبط است، پرداخته می‌شود و در پایان فهرست منابع و ماخذ ذکر شده است.